نجات مادر و ۲ پسر از دام مرگ خاموش

زن جوان و دو پسرش که بر اثر گازگرفتگی در خانه‌شان بیهوش شده بودند با حضور امدادگران و آتش‌نشانی در محل، آنها از مرگ نجات یافتند.

به گزارش جام‌جم، فردی با سامانه ۱۲۵ آتش‌نشانی تماس گرفت و اطلاع داد بوی گازگرفتگی از خانه همسایه‌شان در شهرك مسعودیه به مشام می‌رسد و احتمال می‌دهد آنها براثر گازگرفتگی بیهوش شده باشند. آتش‌نشانان ایستگاه ۳۷ با حضور در آنجا متوجه شدند حادثه در آپارتمان ۷۰ متری در ساختمان سه طبقه سه واحدی رخ داده، آتش‌نشانان ابتدا گاز و برق ساختمان را قطع کردند. بعد وارد آپارتمان شدند و پنجره‌ها را باز کردند. همزمان با ورودشان به خانه زن ۲۵ ساله را که با دو پسر چهار و پنج ساله‌اش بر اثر گازگرفتگی بیهوش شدند را نجات و تحویل امدادگران اورژانس دادند. آنها از مرگ نجات یافتند و برای ادامه درمان به بیمارستان منتقل شدند. بررسی‌های اولیه نشان می‌داد نقص در لوله دودکش بخاری باعث این حادثه و مسمومیت شده است.

احتمال آزادی نجفی بعد از دومین جلسه دادگاه قوت گرفت

جنجال نبش قبر

گروه حوادث

قضات شعبه نهم دادگاه کیفری استان تهران دیروز پس از آخرین دفاعیات محمدعلی نجفی، شهردار اسبق تهران برای صدور رای وارد شور شدند. قضات پیش از این عمل متهم را قتل عمد اعلام کرده بودند اما نجفی و وکیلش همچنان معتقدند قتل عمدی نبوده و گلوله ها بدون اراده شلیک شده است.

خرداد امسال رسیدگی به پرونده قتل همسر دوم شهردار پیشین تهران به دست خود شهردار با کشف جسد مقتوله در حمام خانه اش کلید خورد. محمدعلی نجفی ساعتی پس از به قتل رساندن همسرش، خود را تسلیم ماموران پلیس کرد و در دادگاه اتهام قتل عمد را نپذیرفت. هر چند با اعلام گذشت از سوی اولیای دم پرونده، اجرای قصاص منتفی شد اما روز گذشته متهم در دومین جلسه رسیدگی به پرونده از لحاظ جنبه عمومی جرم پای میز محاکمه رفت.

در ابتدای جلسه دادگاه قاضی کشکولی با اشاره به نجفی گفت: با توجه به تفهیم اتهامات صورت گرفته چنانچه دفاعی در ماهیت جرم دارید بیان کنید.

سپس نجفی در جایگاه متهم قرار گرفت و گفت: تقریبا کارشناسان بر این نکته اتفاق نظر داشتند که با توجه به محل و پراکندگی اصابت گلوله، درگیری وجود داشته و اصابت گلوله غیر ارادی و در حالت کمشکش بوده است. همچنین یکی از کارشناسان نیز عنوان کردند که به هم ریختگی صحنه حادثه نشان‌دهنده غیرعادی بودن آن است.

وی ادامه داد: کارشناسان گفتند در حین کشمکش، مرحومه عقب عقب رفته و سپس به وان افتاده و بعد گلوله‌ای شلیك شده است. حال شما تصور کنید مقتوله در وان افتاده است و من سلاح را تا پنج سانتی‌متری برده‌ام. آیا این قابل تصور است پس چرا من مستقیم به سینه شلیك نکردم؛ لذا به نظر می‌رسد این نظریه درست نباشد و در اصل زمانی که گلوله آخر شلیك شد مرحومه دستم را رها کرد و بعد داخل وان افتاد.

درخصوص سوختگی محل اصابت، گلوله روی سینه نشان می‌دهد که گلوله اصابت کرده از دیوار یا سقف کمانه شده است. اعضای هیات کارشناسی می‌فرمایند از روی عکس‌ها فهمیده‌اند که محل سوختگی نیست و پزشکی قانونی به اشتباه سوختگی اعلام کرده است.

نجفی تاکید کرد: دادستان، بنده و وکلا باید گوشه چشمی نیز به دادگاه عدل الهی داشته باشیم چراکه این دادگاه می‌گذرد، اما فردا باید در دادگاه عدل الهی پاسخگو باشیم.

قاضی کشکولی: شما نحوه برخورد آخرین گلوله به مقتول را تشریح کردید از طرف دیگر روان‌شناس و هیات سه نفره سلامت روان شما را کاملا تایید کردند و چهار کارشناس در خصوص سلامت روانی شما اعلام نظر کردند شما به نظریه کارشناسان استناد می‌کنید و می‌گویید که در شرایط بی‌ارادگی صورت گرفت این موضوع با نظر کارشناسان متعارض است چه توضیحی دارید؟

نجفی: این موضوع در همان زمان نیز برای من سوال بود که ۴۸ ساعت پس از این حادثه چگونه می‌توان احراز کرد که فرد در آن زمان شرایط عادی یا غیرعادی داشته است من این موضوع را از کارشناسان پرسیدم و گفتند که ما در گزارش بیان نمی‌کنیم که فرد سلامت روانی داشته است، بلکه می‌گوییم احراز نشد که شرایط روانی وی غیرمتعادل بوده است البته من مدعی نیستم که در آن زمان از نظر روانی مشکل داشتم. زمانی که وارد حمام شدیم غیر از گلوله اول چهار گلوله بعدی که من فکر می‌کردم سه گلوله شلیك شده در شرایطی بود که مقتول دست مرا گرفته بود و اراده شلیك و عدم شلیك از من گرفته شده بود. بنده هیچ‌گاه بر اساس اراده و با هدف، شلیکی انجام ندادم.

قاضی کشکولی: بعد از چندمین گلوله متوجه فوت مقتول شدید؟

نجفی: بعد از آخرین گلوله که فکر می‌کردم گلوله چهارم است. چند لحظه درنگ کردم و جلو رفتم و روی پیشانی مرحومه دست کشیدم و متوجه شدم که آثار حیات ندارد.

نمی دانستم بالش صدای گلوله را می گیرد

قاضی کشکولی: با چه هدفی وارد حمام شدید؟

نجفی: از مدتی قبل با هم بحث داشتیم که توافقی از هم جدا شویم، اما قبول نمی‌کرد به خاطر عصبانیت حاد لحظه‌ای رفتم تا با او اتمام حجت کنم و بترسانم. بالشی به همراه خودم بردم البته نمی‌دانستم که بالش صدای گلوله را می‌گیرد بلکه می‌خواستم اسلحه را نبیند و می‌خواستم بگویم که کار ما دارد به جاهای باریك می‌کشد فرض این بود که او زیر دوش حمام بود، اما نمی‌دانم چرا زیر دوش نرفته بودند و تقریبا جلوی در ایستاده بود و سینه به سینه شدیم بالش را کنار زدم و گفتم می‌خواهی این داستان را تمام کنی یا نه؟ نمی‌دانم چرا با دیدن اسلحه هول شد و مرا به عقب هول داد و گلوله اول شلیك شد و چهار گلوله بعدی در حالتی بود که دست مرا گرفته بودند و تلاش می‌کردند گلوله به سمت بالا برخورد کند.

قاضی کشکولی: خودتان هم ترسیدید؟

نجفی: بله و فریاد می‌زدم که ول کن چرا که امکان برداشتن دست از ماشه نبود.

شرایط غیرعادی نجفی

در این هنگام قاضی از ماهرخ کیان‌زاده، کارشناس اسلحه دعوت کرد تا در جایگاه قرار بگیرد و خطاب به او گفت: با توجه به دفاعیات آقای نجفی در خصوص نحوه اصابت گلوله به بدن مرحومه نظریه تکمیلی خود را ارائه کنید.

کیان‌زاده هم با اشاره به سابقه کاریش گفت: ۴۵ سال است که در این کار هستم و شاید بیش از ۱۰۰۰ جسد تیر خورده را با سلاح‌های مختلف دیدم. در خصوص اصراری که دارند و می‌گویند گلوله خارج شده از دست به وان برخورد کرده باید بگویم وان سوراخ مدون حداکثر میلی‌متری دارد هیچ وقت گلوله‌ای که از دست خارج می‌شود نمی‌تواند این سوراخ را ایجاد کند و باید موقع ورود به وان سوراخ بزرگ‌تری به جا می‌گذاشت.

وی درخصوص خون‌های ریخته شده گفت: گلوله وقتی به دست اصابت کرده دست لبه وان بوده و خون حاصل از آن بیرون وان ریخته است. پراکندگی اصابت گلوله‌ها حاکی از شرایط غیرعادی آقای نجفی بوده است. اگر در حالت مصمم و نرمال بود با یك تیر می‌توانست به ایشان شلیك کند، اما نوع گلوله‌های اصابت کرده حاکی از دستپاچگی ایشان است.

پس از کارشناس اسلحه نوبت به کارشناس پزشکی قانونی رسید که او در نظریه خود گفت: تعادل نداشتن در صحنه بارز است، اما در مورد کمانه کردن گلوله باید گفت که بدن جای سوختگی ندارد و نمی‌توان ادعای کمانه کردن را پذیرفت. سناریوی کمانه کردن گلوله با آنچه که در صحنه جرم شاهد هستیم جور در نمی‌آید و اگر قرار بود گلوله به سمت سقف شلیك شود و سپس کمانه شده و به بدن بازگردد قاعدتا باید در همان سقف می‌ماند نه این‌که از سقف کمانه کند.

ممکن است جنگ جهانی شود

وکیل نجفی در این جلسه با گلایه از اظهارات جلسه قبل نماینده دادستان به قاضی کشکولی گفت: نماینده دادستان در دو فراز مطالبی را فرمود که در این خصوص باید توضیحاتی را بدهم. نماینده دادستان گفت موکل من نه تنها نظم کشور بلکه نظم عرصه بین‌الملل را هم به هم زده و به شکلی بیان کرد که گویی ممکن است جنگ جهانی شود؛ اما این موضوع دلیل نمی‌شود که مکررا از دادگاه تقاضا حبس‌های کلان کنیم. برای فردی که چندین موسسه خیریه برای دانشجویان تاسیس کرده و هزاران آموزگار برای من نامه نوشتند تا به او کمك کنم می‌گویید که مستحق هیچ تخفیفی نیست، اما علت این همه عصبانیت چیست.

گودرزی در ادامه دفاعیات خود درباره نحوه ورود گلوله به بدن گفت: بنده نظر کارشناسان را رد می‌کنم و معتقدم گلوله بر اثر اصابت به دیواره بر بدن مقتوله کمانه کرده است، اما اگر اظهارات کارشناسان را هم درست فرض کنیم محل ورود و خروج گلوله یکی نیست و نشان می‌دهد گلوله به طور غیرمستقیم وارد بدن شده است. آنچه که مشخص است قصد قتل عمد وجود نداشته و بیشتر بحث ترساندن بوده است.

وی با اشاره به حمل و نگهداری سلاح غیر مجاز از سوی متهم نجفی گفت: نجفی به دلایل مسائل مربوط به ترورهای سال ۶۰ مجوز سلاح داشت و ۳۶ سال یعنی تا سال ۹۶ آن را تمدید کردند؛ سال ۹۶ برای او سال چالش برانگیزی هم در زندگی کاری و هم زندگی شخصی بوده است. کسی که اسلحه‌ای بدون مجوز دارد با کسی که اسلحه‌ای داشته و ۳۶ سال مجوز آن را تمدید کرده فرق دارد؛ لذا باید بین این دو تفاوت قائل شد. دادگاه می‌تواند به او کمك کند و رأفت اسلامی شامل حالش شود.

چهره کشور بد شد

اختیاری نماینده دادستان در واکنش به صحبت‌های گودرزی گفت: آقای وکیل می‌گوید فضای مجازی به حوادث این چنین دامن می‌زند، اما موضوع اینجاست که خود شما و وکیل معزول حواشی ایجاد کردید و به احساسات عمومی دامن زدید. صاحب منصب بودن وی مسؤولیت او را بیشتر می‌کند، اما این اتفاق چهره کشور را در عرصه بین‌الملل بد کرد.

وی در ادامه در خصوص درخواست مجازات تکمیلی برای متهم نجفی با طرح سوالی گفت: آیا شما تضمینی می‌دهید که اگر آقای نجفی سلاح داشته باشد دوباره چنین اتفاق تلخی را رقم نمی‌زند؟

نجفی در آخرین دفاع خود گفت: اگر من مسؤول نبودم این موضوع نیز مانند هزاران واقعه که اتفاق افتاده است محسوب می‌شد خاطرم هست که سرپرست دادسرا جنایی یا بازپرس پرونده به من می‌گفت روزی یك یا دو مورد قتل خانوادگی داریم، اما در مورد من هم از طرف جامعه زود انعکاس پیدا کرد و هم در خارج از جامعه. البته این‌که انعکاس پیدا کرده به معنای آثار بین‌المللی نیست و آثار آن این بوده که چند رسانه خارجی فارسی‌زبان موضوع را دنبال کردند. من در حد توانم به مردم نظام و کشور خدمت کردم و آنچه که در سطح عمومی جامعه مطرح شده ناشی از مسؤولیت‌ها و خدمات من در ۴۰ سال گذشته بوده است.

پس از دفاعیات نجفی و وکیل مدافعش قاضی ختم رسیدگی به پرونده را صادر کرد.

وکیل نجفی در واکنش به صحبت‌های جلسه قبل نماینده دادستان:

برای فردی که چندین موسسه خیریه برای دانشجویان تاسیس کرده و هزاران آموزگار برای من نامه نوشتند تا به او کمك کنم می‌گویید که مستحق هیچ تخفیفی نیست، اما علت این همه عصبانیت چیست؟

ذره‌بین

حاشیه دادگاه

فاطمه شیخ‌علیزاده

حوادث

- ساعت ۹ و ۱۰ دقیقه صبح بود که محمدعلی نجفی وارد سالن اجتماعات دادگاه کیفری یك استان تهران شد و رسیدگی به جلسه آغاز شد.
- دکتر کاهانی، یکی از کارشناسان پزشکی قانونی حاضر در دادگاه در نظریه جنجالی خود گفت: «در پزشکی قانونی عکس رادیوگرافی از استخوان جناغ سینه تهیه نشده است، اما شاید با نبش قبر بتوان این عکس رادیوگرافی را تهیه کرد تا اثبات شود علت دفرمه شدن گلوله دقیقا چه بوده است.»
- این موضوع در فضای مجازی خبرساز شده بود که رئیس دادگاه در پایان جلسه محاکمه گفت: «لزومی بر نبش قبر وجود ندارد و انجام این امر از نظر دادگاه منتفی است. همچنین ضرورتی برای خروج گلوله از وان حمام وجود ندارد و دستور به اقدام به این کار داده نمی‌شود. رای پرونده تا یك هفته دیگر با مشورت هیات قضایی صادر خواهد شد.»
- دومین جلسه رسیدگی پس از ۱۸۵ دقیقه بالاخره پایان یافت و قاضی ختم جلسه دادرسی را اعلام کرد.
- گودرزی، وکیل نجفی بعد از اعلام ختم جلسه دادرسی در جمع خبرنگاران گفت: «تلاش ما برای آزادی موکلم به قید وثیقه همچنان ادامه دارد. وثیقه‌ای که پیش از این برای آزادی او توسط فرزند برادرش اجرا گذاشته شده بود، همچنان آزاد نشده. صحبت‌هایی در این خصوص انجام شده و استنباط من از نتیجه این مذاکرات این است که نجفی تا یك هفته دیگر آزاد شود.»
- لاله عقبایی در دفاعیات خود در دادگاه اشاره‌ای به سمت خود در پرونده قبلی خانواده نجفی کرد. او بعد از ختم جلسه دادرسی در توضیح این موضوع در گفت‌وگو با خبرنگار جام‌جم گفت: «مدت‌هاست با خانواده موکلم آشنا هستم و معاشرت ما فراتر از ارتباط وکیل و موکل است. برای همین خانم سرور تابشیان، همسر آقای نجفی در پرونده طلاقشان بنده را به عنوان وکیل خود معرفی کردند. پرونده طلاق در آن زمان با توجه به برخی مسائل حاشیه‌ای باز شده بود و مساله‌ای ناخواسته بود که با میل و رغبت طرفین همراه نبود. بعد هم موضوع طلاق منتفی شده و هرگز صیغه طلاق بین آقای نجفی و همسرش جاری نشد و همچنان خانم تابشیان در زوجیت آقای نجفی هستند.»

عقبایی در ادامه گفت: «ارتباط آقای نجفی و همسرش ارتباط خوبی بود و خانم تابشیان همیشه همراه ایشان بودند. نجفی در دوره‌ای از وزارت خود، یك شب در هفته را در محل کار می‌گذراند و به کارهای عقب افتاده رسیدگی می‌کرد. در تمام آن شب‌ها همسرش در کنار او در محل کارش حضور داشت.»

راز قتل زن ایرانی در قلب کارگر نظافتچی

کارگر افغان که زن ایرانی را با انگیزه سرقت به قتل رسانده و به افغانستان گریخته بود، پس از بازگشت به ایران شناسایی و دستگیر شد.

به گزارش خبرنگار جنایی جام‌جم، عصر ۲۶ فروردین سال گذشته رحیم دشتبان، بازپرس کشیك قتل دادسرای جنایی از طریق تماس ماموران کلانتری گلبرگ از قتل زن ۵۰ ساله‌ای در محله گلبرگ باخبر شد. او با تیمی از ماموران اداره جرایم جنایی تهران در طبقه دوم ساختمانی که جنایت رخ داده بود حاضر شدند که معلوم شد یك شبانه‌روز از مرگ او گذشته و با همان روسری که سرش بوده، به قتل رسیده است. کارگر نظافتچی به نام احسان آخرین نفری بوده که طبق گفته همسایه‌ها از خانه وی خارج شده بود. پرونده این قتل در شعبه دهم بازپرسی دادسرای جنایی تهران، تشکیل شد. ماموران از خواهر مقتول تحقیق کردند که معلوم شد دو کارگر افغان برای نظافت به خانه او و خواهرش در رفت و آمد بودند. آن روز هم یکی از کارگران به نام احسان در خانه مقتول بوده است.

بعد از قتل، مقداری پول، هزار دلار، سه عدد انگشتر طلا و گوشی تلفن مقتول مفقود شده بود.

در ادامه دوست متهم تنها مظنون پرونده بازداشت شد که مدعی شد، روز جنایت احسان هراسان به خانه آمده و با جمع کردن وسایلش به هرات رفت.

گفته‌های او از سوی پلیس مورد بررسی قرار گرفت و چون در ماجرای قتل نقشی نداشت، آزاد شد، اما احسان تحت تعقیب بود تا این‌که با گذشت ۱۹ ماه از جنایت، ماموران باخبر شدند که او چند روز است به ایران بازگشته و در ساختمان نیمه‌کاره‌ای در محله هفت‌حوض کار می‌کند. ماموران به آنجا رفتند و متهم به قتل را دستگیر کردند. مرد افغان راز قتل زن ایرانی را فاش کرد و گفت: برای نظافت به خانه مقتول و خواهرش و چند نفری دیگر می‌رفتم. به تصور این‌که زن میانسال پول زیادی دارد، او را با روسری خفه کرده و اموال باارزش او را سرقت کردم. با فروش اموال سرقتی ۳۰ میلیون تومان به‌دست آورده و به هرات رفتم. وقتی پولم تمام شد، به ایران بازگشتم.

متهم به قتل به اتهام مباشرت در قتل عمدی زن ایرانی و سرقت اموال وی روانه بازداشتگاه پلیس شد.

تلنگر

قتل سلطان هروئین در دره فرحزاد

قاچاقچی معروف به سلطان هروئین که بر سر پاتوق فروش مواد مخدر با قاچاقچی دیگری درگیر شده بود، در دره فرحزاد با شلیك گلوله به قتل رسید.

به گزارش خبرنگار جنایی جام‌جم، شامگاه هفتم آذر امسال یکی از ماموران کلانتری باغ فیض با رحیم دشتبان، بازپرس کشیك قتل دادسرای جنایی تهران تماس گرفت و از کشف جسد مردی حدود ۳۵ ساله در دره فرحزاد خبر داد. با دستور بازپرس جنایی تیمی از ماموران اداره دهم پلیس آگاهی تهران برای رازگشایی از این جنایت در دره فرحزاد در غرب پایتخت حاضر شدند. آنها با حضور در این محل مشاهده کردند که مرد جوان از ناحیه کمرش مورد اصابت گلوله قرار گرفته که گلوله کمر را شکافته و وارد قلب این مرد شده و مرگ او را رقم زده است.

بررسی‌های اولیه نشان داد مدت زمان کوتاهی از مرگ وی گذشته است. جسد مرد ناشناس به پزشکی قانونی منتقل و پرونده‌ای در ارتباط با این جنایت در شعبه دهم بازپرسی دادسرای جنایی تهران تشکیل شد. ماموران اداره دهم پلیس آگاهی تهران برای روشن‌شدن ابعاد این پرونده به تحقیق از افرادی که به دره فرحزاد در رفت و آمدند، پرداختند که معلوم شد آنها مقتول را می‌شناسند. یکی از آنها در جریان تحقیقات پلیسی گفت: مقتول از قاچاقچیان معروف غرب تهران بود و میان افراد معتاد و قاچاقچیان به سلطان هروئین معروف بود. افراد زیادی از او حساب می‌بردند. همین باعث شده که او و یك قاچاقچی دیگر که در دره فرحزاد مواد مخدر می‌فروختند با هم دچار اختلاف شوند و هر کدام سعی می‌کرد این محل را پاتوق خودشان کنند. ساعت ۹ شب هفتم آذر با هم درگیر شدند که با حضور پلیس اختلاف‌شان پایان یافت. ساعت ۱۲ شب دوباره با هم درگیر شدند که با قتل یك نفر از آنها پایان گرفت.

با شناسایی هویت عامل جنایت که یك قاچاقچی حرفه‌ای است، او تحت تعقیب پلیس قرار گرفت و جست‌وجو برای دستگیری وی از سوی پلیس جنایی تهران ادامه دارد.

کلاهبرداری با فروش زمین‌های توقیفی دادگستری

دو مرد که با راه‌اندازی یك شرکت کاغذی، زمین‌های توقیف‌شده از سوی دادگستری را می‌فروختند و کلاهبرداری می‌کردند، بازداشت شدند.

به گزارش خبرنگار جام‌جم، از سال ۹۵ افرادی با حضور در شعبه ۱۲ دادسرای ناحیه ۳ شهید بهشتی کرج از دو مرد به نام‌های محسن و بهروز که با راه‌اندازی یك شرکت کاغذی در کرج با سربرگ بنیاد شهید، خودرو و زمین به آنها فروخته بودند، شکایت کردند. تحقیقات در این پرونده نشان می‌داد متهمان با قطعه‌بندی زمین‌هایی که در توقیف دادگستری بودند آن را به متقاضیان فروخته است. ارزش مالی این زمین‌ها بیش از ۲۰ میلیارد تومان بود. چندی پیش پرونده با توجه به حساسیت موضوع در دستور کار ماموران اداره چهاردهم پلیس آگاهی تهران قرار گرفت. جست‌وجوهای پلیسی برای دستگیری این دو نفر ادامه داشت تا این‌که چند روز پیش مخفیگاه محسن ۴۲ ساله شناسایی و او با هماهنگی قضایی بازداشت شد. او با انتقال به پلیس آگاهی گفت: دوستم بهروز ۵۰ ساله، پیشنهاد راه‌اندازی این شرکت را به من داد که قبول کردم. او با درج آگهی‌های فروش ویژه خودرو و زمین متقاضیان را وسوسه و ترغیب به خرید می‌کرد. سپس با جعل سربرگ بنیاد شهید اقدام به قطعه‌بندی زمین‌های حوالی کرج و فروش آن به متقاضیان می‌کردیم تا این که مشخص شد زمین‌ها در توقیف دادگستری است.

در حالی که ۸۰ نفر از مالباختگان محسن را شناسایی کرده بودند او راهی زندان شد و تحقیقات برای بازداشت همدست ۵۰ ساله‌اش ادامه داشت تا این‌که مشخص شد او با راه‌اندازی دفتری مشابه در منطقه ازگل تهران مشغول کلاهبرداری است. او نیز تحت تعقیب پلیس قرار گرفت و در مخفیگاهش بازداشت شد. سرهنگ کارآگاه جهانگیر تقی‌پور، معاون مبارزه با جعل و کلاهبرداری پلیس آگاهی تهران بزرگ گفت: متهمان به همدستی با یکدیگر در این کلاهبرداری‌های سریالی اعتراف کرده‌اند.